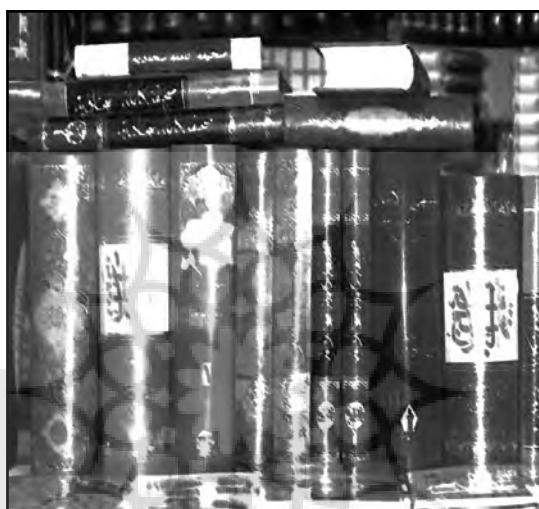


## اهمیت گزینش ضبط صحیح و یکسان اعلام در دایرة المعارف‌ها



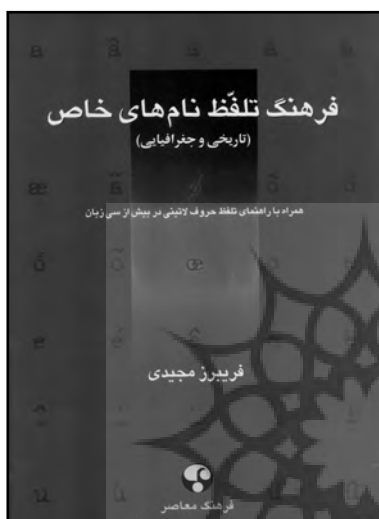
● سپیده معتمدی  
عضو هیأت علمی و سرپرست واحد  
اعلام بنیاد دائرة المعارف اسلامی

### مقدمه

یکی از دقائق و ظرایف نگارش دایرة المعارف، تعیین ضبط صحیح و نیز یکسان بودن اعلام است. ناهماهنگی در ضبط اعلام از مشکلاتی است که اهمیت آن نادیده گرفته شده است. نبود شیوه واحد برای ضبط اعلام گوناگون، پیچیدگی‌های زبان فارسی و وجود استثناهای فراوان و نیز بی توجهی به هماهنگی ضبط اعلام به آشفتگی در این زمینه انجامیده است. عدم توجه به ضبط صحیح و هماهنگ اعلام در دایرة المعارف‌ها، به اشتباهاتی منجر خواهد شد که خواننده را از درک درست مطلب باز می‌دارد.

برای نمونه، خواننده از این جمله چه درک خواهد کرد: «جنوب مسوپوتامیا<sup>۱</sup> مهد تمدن بشر بوده است.» اشتباه و ناهماهنگی در ضبط اعلام، گاه حتی به اشتباهات مفهومی می‌انجامد. به این مثال توجه کنید: «در باره محل ولادت وی اختلاف نظر است. برخی او را متولد مدینه المنصور و برخی متولد بغداد نوشته‌اند.» در حالی که مدینه المنصور همان بغداد است، بنابراین اختلاف نظری وجود ندارد. به علاوه، این آشفتگی، در انجام پژوهش‌های علمی که منابع دایرة المعارفی را مرجع خود قرار می‌دهند، اخلال ایجاد می‌کند.

این نوشته برآن است تا با بررسی مهم‌ترین عوامل این ناهماهنگی، به برخی از راهکارهای مطرح شده در این زمینه به اختصار اشاره کند و با معرفی منابع و آثاری که به این مشکل پرداخته‌اند، در غلبه بر این ناهماهنگی به پژوهشگران یاری رساند.



القاب و مانند آن؛  
و- اصطلاحات.

#### علل ناهماهنگی در ضبط اعلام

ناهماهنگی در ضبط اعلام، علل متفاوتی دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۱. ویژگی‌های زبان فارسی و عربی. این ویژگی‌ها، به خصوص در ضبط اعلام تاریخی، به بروز ناهماهنگی می‌انجامد. برای مثال، اعلام گاه با پسوندهای جمع فارسی (ان، ها)، گاه با پسوندهای جمع عربی (ات، ین، ون)، گاه به صورت جمع فارسی و گاه به صورت جمع عربی ضبط شده‌اند که به تفاوت در ضبط این اعلام منجر شده است (برای مثال: حفصیان یا حفصیون؛ سلاجقه یا سلجوقیان؛ ادریسیان یا ادرسه).

هم چنین حرف تعریف «ال» در عربی گاه حفظ و گاه حذف می‌شود (المستنصر، مستنصر؛ العزیزی عزیزى).

برخی از ویژگی‌های دیگر در این زمینه که به ناهماهنگی انجامیده چنین است:

«ابن» در وسط به صورت «بن» یا «ابن»؛ «ابو» یا «بو» (ابوعلی یا بوعلی)؛ «ابا» یا «با» (بایزید یا ابایزید)؛ «آل» یا «بنو» یا «بنی» (آل افراسیاب یا بنو افراسیاب یا بنی افراسیاب).

#### تعریف اعلام

اعلام به صورت‌های گوناگون تعریف و گروه‌بندی شده است. برای مثال در فرهنگ معین (ج۱، ص شصت و هشت) اعلام به اسامی خاص، نام‌های خاص، تعریف و به موضوع‌های ذیل تقسیم شده است:

اعلام تاریخی و ادبی: اشخاص تاریخی (پادشاهان، امیران، وزیران)، خاندان‌ها (خانواده‌های معروف، سلسله‌های سلاطین)، وقایع تاریخی (جنگ‌ها، معاهدات)، اشخاص ادبی (نویسندگان، شاعران)، آثار ادبی (منظومه‌ها، رمان‌ها، نمایشنامه‌ها)، هنرمندان (نقاشان، معماران، مجسمه‌سازان، خطاطان، هنرپیشگان) و آثار هنری (پرده‌های نقاشی، مجسمه‌ها، بناها) و موزه‌ها.

اعلام جغرافیایی: کشورها، ایالت‌ها، شهرها، روستاها و قصبات مهم، رودها، کوه‌ها، دریاها، اقیانوس‌ها و غیره.

ملل و نحل: فرقه‌های دینی و مذهبی، مسلک‌های فلسفی. در شیوه نامه ضبط اعلام، اعلام به اعلام اشخاص، اعلام تاریخی و اعلام جغرافیایی تقسیم شده است. اعلام تاریخی به اعلام خاندان‌ها و سلسله‌ها، اقوام و قبایل، رویدادهای تاریخی، فرق، مکاتب و طرائق؛ و اعلام جغرافیایی به تقسیمات کشوری، عوارض طبیعی، مستحذات و نهادهای اجتماعی دسته‌بندی شده است.

در مرجع‌شناسی و روش تحقیق، اعلام به این شکل تقسیم شده است:

#### ۱. شخص:

الف - فردی (پیامبران، امامان، شخصیت‌های دینی، علما، نویسندگان، اسلام‌شناسان خاورشناسان، هنرمندان و مانند آن)؛  
ب - گروهی (ملت‌ها، اقوام، خاندان‌ها، طایفه‌ها و مانند آن).

#### ۲. غیرشخص:

الف - جای‌ها (کشورها، شهرها، بناها و مانند آن)؛  
ب - عوارض طبیعی (اقیانوس‌ها، دریاها، رودها، کوه‌ها، صورت‌های فلکی و مانند آن)

ج - رویدادهای تاریخی (پیمان‌ها، جنگ‌ها و مانند آن)؛  
د- نهادها و مراکز (احزاب، مؤسسات، کتابخانه‌ها، موزه‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز فرهنگی و آموزشی و مانند آن)؛

ه - سایر اعلام (آداب و رسوم، ابزارها، اساطیر، مناصب و

برای نمونه، یوسف استالین درست تر است یا ژوزف استالین؟ این مشکل در اسامی جغرافیایی نیز وجود دارد. برای نمونه رود Tajo که در اسپانیا جاری است در اسپانیایی به صورت تاخو (Tajo)، در پرتغالی تژو (Tajo)، در فرانسه تاژ (Tage)، در عربی وادی تاجه، و در انگلیسی تاگوس (Tagus) تلفظ می‌شود و معلوم نیست که باید کدام ضبط را انتخاب کرد.

چند دهه پیش در ایران نام‌های بیگانه را با تلفظ فرانسوی می‌نوشتند. در حالی که محققان امروز بیشتر تمایل دارند که نام‌ها را براساس تلفظ اصیل آنها بنویسند و یکی از علل ناهماهنگی‌ها در این زمینه ممکن است همین باشد.

مشکل دیگر در این زمینه، ملیت‌های مبهم افرادی است که تغییر ملیت می‌دهند و نمی‌دانیم که آیا نام آنان را باید براساس ملیت اصلی آنها بنویسیم یا ملیت جدید آنان.

۵. تفاوت ضبط رایج و اشهر با ضبط واقعی. گاه صورت مشهور یک اسم خاص با ضبط واقعی آن تفاوت دارد. به عبارت دیگر، ضبطی که به صورت اشهر و رایج درآمده، ضبط واقعی نیست. برای مثال ضبط دقیق و واقعی نام «ووستنفلد» (Wustenfeld) براساس تابعیت آلمانی او «ووستنفلت» می‌باشد، اما صورت رایج و مشهور آن «ووستنفلد» است. برای نمونه در برخی از متون، نام قهرمان افسانه‌های یونانی را به صورت «اخیلِس» می‌بینیم و شاید پی‌نبریم که منظور همان آشیل معروف است. ضبط صحیح این نام، آخیلس (در یونانی کهن) است، اما در متون فارسی به صورت آشیل ضبط و رایج شده است. به راستی کدام ضبط را باید برگزید: ضبط رایج و اشهر یا ضبط واقعی؟

۶. ضبط براساس رویکرد اثر. گاه اعلام در منابع گوناگون براساس رویکرد این منابع به صورت‌های گوناگون ضبط می‌شود. برای نمونه در اثری که درباره اندلس و پیشینه اسلامی آن است، نام مالاکا (Malaga)؛ شهری در جنوب اسپانیا ممکن است به صورت مالقه (ضبط عربی آن) ضبط شود. بنابراین، پژوهشگر با این مسأله رو به روست که در تألیف چنین اثری باید از کدام صورت اعلام استفاده کند: گرانادا یا غرناطه؛ سویل یا اشبیلیه.

۷. خلط نام قدیم و جدید. برخی از ناهماهنگی‌ها در ضبط اعلام به خلط میان نام قدیم و جدید باز می‌گردد. برای نمونه، هنگام استفاده از منابع اگر ندانیم که «عبادان» نام قدیم «آبادان» بوده است، ممکن است به اشتباهات محتوایی در متن دچار شویم و به خطا تصور کنیم این دو نام به دو مکان متفاوت تعلق دارد. بنابراین اگر در منبعی خواندیم «به منظور نگهبانی از دهانه دجله، دیده بانانی در عبادان مستقر بودند» (اصطخری

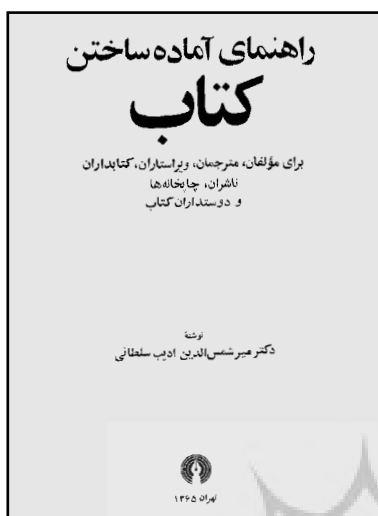
مشکلات در این زمینه بی‌شمار است. معلوم نیست که آیا عیسی بهتر است یا عیسا؛ حجت الاسلام یا حجة الاسلام؛ محی‌الدین یا محیی‌الدین؛ عبدالرحمان یا عبدالرحمن، اسمعیل یا اسماعیل؛ فتحعلیشاه یا فتحعلی شاه؛ طهماسب یا تهماسب؛ طباطبایی یا طباطبائی، تسوج یا طسوج؛ ملازگرد یا ملازگرد؛ گلاب دره یا گلابدره؛ آفریقا یا افریقا؛ زکریای رازی یا زکریا رازی؛ و مثال‌های بی‌شمار دیگر.

۲. کنیه و لقب و تخلص و ترتیب و توالی آنها. اعلام اشخاص به روش‌های گوناگون ضبط شده است. نام یک فرد در منابع گوناگون براساس لقب، نسبت، کنیه، نسب یا جزآن ذکر شده است. قاعده اساسی در این میان روشن نیست.

ابن سینا درست تر است یا ابوعلی سینا (نسب) یا شیخ‌الرئیس (لقب). این عدم یکنواختی ممکن است به اشتباه نیز بینجامد. به ویژه، ناآشنایی با ضبط‌های گوناگون نام مشاهیر مشکل‌ساز است. برای مثال اگر ندانیم که محمد بن همام همان ابن همام اسکافی و میرزا محمد حسن خان صنیع الدوله همان اعتمادالسلطنه است، احتمال دارد دچار خطا شویم. به علاوه، ترتیب و چگونگی ذکر کنیه و لقب و نام روشن نیست. آیا بهتر است بگوییم ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه یا ابن بابویه، ابوجعفر یا ابن بابویه، محمد بن علی.

۳. تفاوت در ضبط لاتین با فارسی. ضبط لاتین برخی از اعلام با ضبط فارسی آنها متفاوت است. این امر به ناهماهنگی یا حتی اشتباه منجر می‌شود. برای مثال، شهر حلب، واقع در سوریه، در منابع لاتین به صورت Alpeo یا Alep ضبط شده است. از این رو، ممکن است برخی از مترجمان به علت ناآگاهی از این موضوع نام این شهر را در متونی که از زبان‌های لاتین به فارسی ترجمه شده به صورت آلپو یا آلپ بنویسند که نادرست است. نمونه‌هایی از این گونه فراوان است. برای نمونه، ابن سینا در منابع لاتین به صورت (Avicenna/Avicenne) آمده است و برخی منابع فارسی نام او را به شکل (آویسن / آویسنا / آویکنا) ضبط کرده‌اند؛ یا ابن رشد که به صورت (Averroes / آوروئوس) ضبط شده است؛ یا دجله که به علت ضبط لاتین آن به صورت Tigris گاه تیگرس یا تیگریس نوشته شده است.

۴. تلفظ متفاوت اعلام در زبان‌های متفاوت. یکی از دلایل ناهماهنگی در ضبط اعلام، به گوناگونی تلفظ اسامی در زبان‌های مختلف باز می‌گردد. برای مثال، نام یوسف (در عبری)، در اسپانیایی به صورت خوسه، در آلمانی یوزف، در انگلیسی جوزف در ایتالیا یوسی جوزپه، در پرتغالی ژوزه، در فرانسوی ژوزف، و در لاتین یوسفوس تلفظ می‌شود. بنابراین،



اعلام بیگانه به سه صورت امکان‌پذیر است. آوانویسی، حرف نویسی واج نویسی. آوانویسی یعنی نوشتن تلفظ واژه بیگانه به زبان فارسی. در حرف نویسی تک تک حرف‌های کلمه، به خط فارسی نوشته می‌شود. برای نمونه، آوانویسی paris (پایتخت فرانسه) به صورت پاری و حرف نویسی آن به شکل پاریس است. واج نویسی شیوه‌ای است مبتنی بر تلفظ اصلی با ملاحظات حرف نویسی.

برای نوشتن واژه بیگانه به زبان فارسی، کدام روش بهتر است؟ ناهماهنگی در استفاده از این سه روش به ناهماهنگی در ضبط اعلام می‌انجامد (برای نمونه Calf را باید براساس آوانویسی «کالف» نوشت یا براساس حرف نویسی «کالف»؛ Faulkner را باید «فاکنر» نوشت یا «فالکنر»).

\*\*\*

می‌توان مشکلات و ناهماهنگی‌های بیشتری را برشمرد. زیرا دشواری‌های ضبط اعلام بسیار است. برای رفع این ناهماهنگی‌ها باید همه موارد یاد شده را، علاوه بر مشکلات دیگر، در نظر گرفت و با تعیین ضوابط معین، ناهماهنگی‌ها را به حداقل رساند.

برای حل مشکل ضبط اعلام، کوشش‌هایی از سوی پژوهشگران انجام گرفته است (ادامه مقاله) که به اختصار به برخی از راهکارهای پیشنهادی اشاره می‌شود.

– درباره اعلام عربی، نام شهر انتخاب می‌شود که ممکن است نام کوچک، کنیه، نام، نسب، نسبت یا لقب باشد. (برای نمونه: حسن بصری، خالد بن ولید، ابودلف، ابن اثیر، اربلی، حلاج؛ بهزادی، شیوه‌نامه ضبط اعلام، ص ۲۵-۳۶). ابن در

مسالک و ممالک، ص ۳۴)، چنانچه بدانیم منظور آبدان امروزی است دچار سردرگمی نخواهیم شد.

به علاوه در این موارد که نام‌های قدیم و جدید تفاوت دارند، معلوم نیست که در تألیف یک اثر تاریخی دایرة المعارفی آیا باید نام جدید را ذکر کرد یا نام تاریخی؟

۸. مشکلات در ضبط اعلام بیگانه. پاره‌ای از مشکلات در ضبط اعلام به نام‌هایی باز می‌گردد که از زبان‌های بیگانه وارد زبان فارسی می‌شود. دشواری‌های این بخش بسیار گسترده و متنوع است: بعضی از حروف در زبان‌های بیگانه در زبان فارسی معادل ندارد و صدای آنها را در زبان فارسی نمی‌توان نشان داد (برای مثال «ة» در زبان آلمانی و ترکی؛ «ه» آسپیره در زبان اردو)؛ «a» در زبان‌های لاتین را آیا باید به صورت «آ» نوشت یا «ا»؟ «on» در پایان نام‌های بیگانه بهتر است به صورت «ون» نوشته شود یا «ن»؛ «O» را «ا» بنویسیم یا «اُ»؟ حروف پایانی «ov» در نام‌های روسی را «ُف» بنویسیم یا «وف» یا «أف» (برای نمونه، ایوانف درست‌تراست یا ایوان أف یا ایوانوف؛ بهتر است بنویسیم صادق أف یا صادقوف یا صادقف)؛ «th» در انگلیسی را «ت» بنویسیم یا «ث»؛ «h» در فرانسه را «ه» بنویسیم یا «آ» یا «ئ» (هنری یا آنری؛ هوگو یا ئوگو)؛ «ch» در آلمانی را «ش» بنویسیم یا «خ» «Z» در اسپانیایی را باید «ث» نوشت یا «س» یا «ز» (گونثالت یا گونزالس)؛ «d» در اسپانیایی را «د» بنویسیم یا «ذ» (مادرید یا مادرید)؛ «de» در فرانسه را باید «د» نوشت یا «دو»؟

به علاوه، جدانویسی یا سرهم نویسی اعلام بیگانه نیز از مشکلات این حوزه به شمار می‌آید (برای نمونه مک دانالد یا مک‌دانالد؛ پورت‌لند یا پورتلند).

در زبان اردو، حروف هـ دار یا آسپیره وجود دارد که حفظ یا حذف آن در ضبط فارسی روشن نیست. (برای مثال علیگره یا علیگر؛ بهوپال یا بوپال؛ میرت یا میرته). به علاوه، گاه این حروف در باز نویسی فارسی اعلامی که حروف آسپیره دارند و به صورت لاتین نوشته شدند مشکل ایجاد می‌کند. برای مثال، «خ» از «کهه» (kh) تمایز داده نمی‌شود و در نتیجه Akhilesh، به جای «آکیلش» به اشتباه «آخیلیش» ضبط می‌شود.

این مشکل در تفسیر بعضی از نشانه‌های فونتیک بین‌المللی نیز وجود دارد. برای نمونه نشانه فونتیک θ (شوا) را در فارسی چگونه باید نوشت؟ برای مثال نام Oxford را که با نشانه‌های فونتیک به صورت aksfard نوشته می‌شود، آکسفورد بنویسیم یا آکسفرد؟

۹. آوانویسی<sup>۲</sup> یا حرف نویسی<sup>۳</sup> یا واج نویسی<sup>۴</sup>. ضبط فارسی

اکنون که تا اندازه‌ای با ابعاد این مشکل و برخی از راهکارهای آن به اختصار آشنا شدیم، شایسته است به تلاش‌های محققانی که در این زمینه فعالیت کردند اشاره کنیم. هر چند تاکنون به این مشکل توجه چندانی نشده است، کوشش‌های پژوهشگران در این باره را نباید نادیده گرفته.

در زمینه ضبط اعلام، از دیرباز کوشش‌هایی صورت گرفته است و امروز آثاری برای کمک به تعیین ضبط صحیح اعلام در دسترس قرار دارد. به علاوه، به جز آثاری که به صورت تخصصی درباره ضبط اعلام نگاشته شده است، منابعی نیز با موضوعاتی غیر از ضبط صحیح اعلام وجود دارد که می‌توان از آنها برای تعیین ضبط صحیح اعلام کمک گرفت.

برخی از مهم‌ترین منابعی که برای تعیین ضبط صحیح اعلام کاربرد دارند، به تفکیک موضوع، چنین است:

منابع عمومی: دایرةالمعارف‌ها و فرهنگ‌هایی چون دایرةالمعارف فارسی مصاحب؛ دایرةالمعارف اردو (برای اعلام شبه قاره)؛ دایرةالمعارف آریانا (برای اعلام افغانستان)؛ لغت‌نامه دهخدا؛ المنجد (اعلام)؛ فرهنگ دودن<sup>۵</sup> (برای تلفظ واژه‌های ملیت‌های گوناگون)؛ شیوه‌نامه ضبط اعلام انگلیسی در فارسی؛ وبستر بیوگرافی<sup>۶</sup>؛ وبستر جغرافیایی<sup>۷</sup>؛ فرهنگ اعلام کتاب مقدس (برای تعیین ضبط صحیح اعلام کتاب مقدس)؛ قاموس الاعلام و تاریخ جغرافیا لغاتی (برای اعلام ترکی دوره عثمانی)؛ دایرةالمعارف آکسفورد جهان اسلام معاصر<sup>۸</sup>؛ نام‌های اسلامی؛ فرهنگ مترجم؛ فرهنگ تلفظ نام‌های خاص (تاریخی و جغرافیایی)؛ شیوه‌نامه ضبط اعلام؛ راهنمای آماده ساختن کتاب.

منابعی برای اعلام اشخاص در زبان‌های گوناگون: اعلام، زرکلی؛ معجم المؤلفین؛ کحاله؛ زندگینامه علمی دانشوران؛ فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان؛ عثمانلی مؤلفری (مؤلفان عثمانی)؛ قاموس الاعلام (اعلام ترکی دوره عثمانی)؛ اعیان الشیعه؛ تذکره الاولیاء، عطار؛ طبقات الصوفیه، سلمی؛ ملل و نحل، شهرستانی؛ فرهنگ فرق اسلامی؛ تاریخ علماء الاندلس؛ نامه دانشوران، تاریخ علم کیمبریج؛ ریاضی دانان ایرانی؛ تاریخ ادبیات ایران، ذبیح‌الله صفا؛ از صبا تا نیما، آرن پور؛ المستشرقون؛ فرهنگ خاورشناسان؛ مدخل تاریخ شرق اسلامی؛ نویسندگان روس؛ اعلام المغرب.

وسط به صورت «بن» نوشته می‌شود (سلیمان بن عثمان). الف کوتاه در خط عربی به صورت «ا» نوشته می‌شود (عبدالرحمان). درباره ابو/بو، ابا/با، ابی/بنی/بنو، صورت مشهور اختیار می‌شود (سمیعی گیلانی، نگارش و ویرایش، ص ۲۵۲). «ال» بعد از ابن و بن و بنت در آغاز نام‌های مختوم به یاء نسبت و در نام‌های نسبی حذف و در وسط القاب (آصف الدوله)، در اعلامی که جزء اول آنها مختوم به ة باشد، درکنیه و در مواردی که صورت اشهر با «ال» آمده است (الحمرا) حفظ می‌شود.

در ضبط فارسی اسامی ملل و سرزمین‌هایی که در متون غیرفارسی آمده است ضبط مرسوم یا تلفظ صحیح در فارسی نوشته می‌شود (برای نمونه، ضبط Aleppo به فارسی «حلب» است نه آلیوپ یا آلپ؛ Tripoli را باید طرابلس نوشت و نه تریپولی؛ و ابن سینا درست است، نه آویسنا).

– در ضبط نام‌های بیگانه، ملیت و تعلق جغرافیایی ملاک است. بنابراین در ضبط فارسی Xavier اگر نام فردی اسپانیایی باشد باید نوشت «خاویر»، اگر پرتغالی یا برزیلی باشد «شاور» و اگر فرانسوی باشد «گزاویه» یا در انتخاب ضبط فارسی رود (Tajo/Tagus) که در اسپانیا جاری است بهتر است «تاخو» را انتخاب کنیم که تلفظ اسپانیایی آن است.

– در مواردی که فرد تابعیت جدیدی را برگزیده باشد، تلفظ نام وی براساس تابعیت جدید او خواهد بود، مگر آنکه صورت مشهور نام وی به تابعیت اولیه او مربوط باشد. برای نمونه: (Erich Fromm) را بهتر است مطابق با تابعیت آمریکایی او «اریک فروم» بنویسیم و نه «اریش فروم» که با تابعیت اصلی او یعنی آلمانی مطابق است، اما (Einstein) را مطابق با تابعیت اولیه او، یعنی آلمانی، «اینشتین» می‌نویسیم زیرا به این نام مشهور است (ادیب سلطانی، راهنمای آماده ساختن کتاب، ص ۲۱۱).

– چنانچه پیش از این نیز گفتیم، گرایش کلی در ضبط اعلام، انتخاب ضبط اشهر و رایج است. در بازنویسی اعلام بیگانه به فارسی نیز معمولاً از همین قانون پیروی می‌شود. بنابراین، با آنکه ضبط واقعی و یونانی Aristotle، آرسیتوتلس است ارسطو را ترجیح می‌دهیم، زیرا صورت اشهر آن است.

– در بازنویسی واژه‌های بیگانه، غالب پژوهشگران واج نویسی را ترجیح می‌دهند. این شیوه براساس تلفظ اصلی و با ملاحظه حرف نویسی است. در استفاده از این روش، نخست تلفظ اصلی نام در مآخذ معتبر به دست می‌آید. سپس این تلفظ (یا نزدیک‌ترین تلفظ به آن) با الفبای فارسی نشان داده می‌شود.

نام‌های ملیت‌های گوناگون به زبان اصلی و به شیوه الفبایی تنظیم شده است. برای استفاده از فرهنگ دودن آشنایی با نشانه‌های فونتیک ضروری است. زیرا تلفظ هر کلمه با نشانه‌های فونتیک در کنار آن کلمه آمده است. بنابراین برای تعیین ضبط صحیح یک نام بیگانه می‌توان به این فرهنگ مراجعه و تلفظ دقیق آن را تعیین کرد، سپس با الفبای فارسی نوشت.

۳. راهنمای آماده‌ساختن کتاب. این مأخذ، اثر میرشمس‌الدین ادیب سلطانی، مرجع دیگری است که از آن می‌توان برای ضبط اعلام بهره گرفت. در فصل سوم این کتاب، توضیحات مفصلی درباره شیوه خط فارسی ارائه شده است. از جمله بخش‌های ارزشمند برای ضبط اعلام در این فصل، شیوه نوشتن واژه‌های عربی و عربی‌تبار در فارسی است که در آن درباره املاهای همزه، تنوین، الف مقصوره و مربوطه توضیح داده شده است (ص ۱۷۰ - ۱۷۶). اما توضیحات اصلی درباره ضبط اعلام، در فصل چهارم، روش نوشتن نام‌ها و واژه‌های بیگانه در فارسی، مطرح می‌شود.

در این فصل، پس از بررسی مسائل نظری و عملی مقدماتی، سیاست کلی نوشتن نام‌های بیگانه به خط فارسی، شیوه نوشتن واژه‌های بیگانه به خط فارسی، کلمات بیگانه: زبان‌هایی که خط لاتین دارند، و کلمات بیگانه: زبان‌هایی که اصل آنها به خط لاتین نیست، توضیح داده شده است (ص ۱۹۵ - ۲۹۷). نشانه‌های فونتیک بین‌المللی و چگونگی نوشتن آنها به خط فارسی در همین فصل در دسترس خواننده قرار گرفته است.

در این اثر، برای نوشتن نام‌های بیگانه به خط فارسی، آوانویسی تلفظ اصلی با توجهی محدود به حرف‌نویسی توصیه شده است. یکی از بخش‌های ارزنده این اثر، جداول ارزش آوایی حروف الفبای زبان‌های بیگانه و ترکیب‌های آنها به خط فارسی است. در این جداول، حروف الفبای زبان‌هایی که خط لاتین دارند و زبان‌هایی که اصل آنها به خط لاتین نیست، به ترتیب الفبا تنظیم شده است. این زبان‌ها شامل آلمانی، اسپانیایی، انگلیسی، ایتالیایی، پرتغالی، ترکی استانبولی (عثمانی)، چک، دانمارکی، رومانیایی، سوئدی، فرانسه، فنلاندی، کرواتی و صرب، لاتین، مجارستانی، نروژی، هلندی، اردو، ارمنی، چینی، روسی، ژاپنی، عبری، عربی، گرجی، مغولی، هندی و یونانی است. ارائه ارزش آوایی فارسی برای ترکیب‌های حروف الفبای زبان‌های بیگانه، از نکات ارزشمند این جداول است. به علاوه، درباره هر زبان به نکات خاصی اشاره شده که در تعیین ضبط صحیح اعلام بسیار کارساز است (۲۲۰-۲۹۵).

منابعی برای اعلام جغرافیایی (جای‌ها و مکان‌ها، عوارض طبیعی و بناها): تقویم البلدان، یعقوبی؛ حدود العالم؛ وصف افریقا؛ الروض المعطار؛ کتاب المغرب؛ نزهة القلوب، مستوفی؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران؛ فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور؛

منابع مربوط به اقوام و ملل و قبایل: معجم قبائل العرب؛ اقوام مسلمان شوری، حدود العالم، قبایل و عشایر عرب خوزستان، مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران؛ کردها، ترک‌ها، عرب‌ها.

منابعی برای اعلام تاریخی: تاریخ طبری؛ ترکستان نامه؛ جهان اسلام؛ تاریخ امپراتوری عثمانی و جزآن. در این میان چند اثر ارزشمند در زمینه ضبط اعلام چاپ و منتشر شده که شایسته قدردانی است از جمله این آثار به کتاب‌های زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. دایرةالمعارف فارسی: بی‌تردید یکی از پایه‌گذاران پژوهش در ضبط اعلام، غلامحسین مصاحب است. اثر ارزشمند دایرةالمعارف فارسی هنوز هم در بسیاری از مشکلات مربوط به تعیین ضبط صحیح اعلام، کارگشاست در بسیاری از موارد می‌توان به این دایرةالمعارف به عنوان مرجعی برای تعیین ضبط صحیح اعلام مراجعه کرد و اعلام را به شکلی که در این دایرةالمعارف ضبط شده است برگزید. به علاوه در مقدمه این اثر قواعدی برای ضبط اعلام فارسی و عربی و اعلام بیگانه مطرح شده است. شیوه‌ای که برای نقل اعلام خارجی به کاررفته چنین شرح داده شده است: «نقل تلفظ اصلی ضبط مأخذ (یعنی تلفظ ضبط مأخذ در زبان مأخذ) یا تلفظی حتی الامکان نزدیک به تلفظ اصلی؛ به وسیله زبان فارسی» (دایرةالمعارف فارسی، مقدمه ص ۲۶). برای نمونه، در ضبط فارسی Antonius (سردار رومی)، ضبط لاتینی را مأخذ قرار می‌دهد و با الفبای فارسی به صورت «آنتونیوس» می‌نویسد. در این منبع، اعلامی که در زبان فارسی ضبط‌های تثبیت شده دارند، به همان شکل حفظ شدند. برای مثال پایتخت انگلستان «لندن» است و نه «لانندن» (برای اطلاع بیشتر از قواعد ضبط اعلام در این دایرةالمعارف دایرةالمعارف فارسی، مقدمه، فصل ششم، ص ۲۴-۳۰).

۲. فرهنگ دودن (جلد ششم). این مأخذ برای ضبط اعلام اشخاص کاربرد فراوان دارد. در این فرهنگ، واژه‌های آلمانی و

۴. فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان. این مأخذ نیز از مراجع اصلی در تعیین ضبط نام اشخاص است. این فهرست شامل نام نویسندگان، مترجمان، مؤلفان، مصححان، هنرمندان، رجال و مشاهیری است که از ۱۳۴۸ تا پایان اسفند ۱۳۷۹ به گونه‌ای در برگه‌های فهرست موجود در کتابخانه ملی شناسه یاسرشناسه قرار گرفته‌اند، خواه شناسه موضوعی (مانند: تاریخ سلطنت با شرح حال شاهان، وزرا و افرادی که موضوع کتاب بودند) خواه شناسه افزوده (مانند: نویسندگان همکار، مصححان و غیره). این اسامی شامل نام‌های ایرانی و عربی و خارجی است (ص هشت).

در مقدمه این اثر، نام‌ها به نام‌های ایرانی، نام‌های غیر ایرانی و نام‌های گروه‌های خاص رده‌بندی شده است. نام‌های ایرانی به چهار گروه تقسیم شده است: پیش از اسلام یا به سنت پیش از اسلام؛ بعد از اسلام تا آغاز قرن چهاردهم هجری قمری؛ بعد از ۱۳۰۴ شمسی / ۱۳۴۴ هجری قمری؛ و نام‌های ایرانی اخیر. نام‌های غیر ایرانی نیز در این گروه‌ها بررسی شده است: نام‌های عربی و پروردگان سنت اسلامی (از آغاز تا پایان قرن هجدهم میلادی و از آغاز قرن نوزدهم میلادی به بعد)؛ سایر نام‌های غیر ایرانی (از آغاز تا رنسانس و از رنسانس به بعد)؛ نام‌های چینی؛ نام‌های ایسلندی؛ نام‌های مالزیایی. نام‌های گروه خاص نیز شامل شاهان؛ افراد خاندان‌های سلطنتی، رؤسای حکومت‌ها؛ پیامبران، امامان، پاپ‌ها و قدیسان؛ و نام‌های زنان است (ص دوازده).

قاعده اصلی در این اثر، گزینش نام شهر است. برای تعیین اسم شهر سه مبنای در نظر گرفته شده است: عرف امروز، یعنی تداول (شفاهی و کتبی) و میزان رواج یک نام در میان اهل علم یا روشنفکران یا کلاً جماعت تحصیلکرده زمان حاضر؛ نحوه اشاره شخص به نام خود که غالباً در مقدمه آثار قدما ذکر شده است؛ عرف عصر شخص، یعنی درجه اشتها او به یک نام در زمان خود، که از تواریخ خاص و عام و طبقات و تذکره‌ها و تراجم احوال (زندگی‌نامه‌ها) و دایرة المعارف‌ها و کتاب‌شناسی‌ها و فهرس برمی‌آید (ص بیست و شش). علاوه بر اینها، قاعده خاصی برای چگونگی ضبط اعلام به زبان فارسی در این اثر ارائه نشده و صرفاً دو ضابطه اساسی که محور کار قرار گرفته معرفی شده است: یعنی دور نبودن از صورت مشهور و متداول و نزدیک بودن به تلفظ اصلی (بر اساس ملیت و زبان شخص).

افزون بر اینها در صورت مغایرت ضبط اصلی با ضبط مصطلح، ضبط مصطلح برگزیده شد و در مواردی که منابع

گونگون یک نام را به صورت متفاوت ضبط کرده باشند ضبطی که برابر با تلفظ اصلی یا نزدیک به آن است، انتخاب شده است (ص بیست و نه - سی).

۵. نام‌های اسلامی: در این اثر، آنه‌های ماری شیمیل درباره ساختار اسامی اسلامی (عربی، اردو، فارسی، ترکی) اسم، کنیه، نسب، نسبت، لقب، شیوه‌های نامگذاری کودک، اسامی مذهبی، نام‌های دختران، نام‌های رایج، تغییر و تبدیل نام‌ها، تخلص، اسم مستعار، تنوع ناحیه‌ای و شکل‌های غیر عربی این نام‌ها توضیح داده، اما قاعده‌ای برای ضبط اعلام ارائه نکرده است. این اثر برای آگاهی از ساختار نام‌های اسلامی و انواع اسامی رایج در جهان اسلام مفید است.

۶. فرهنگ مترجم. مؤلفان این اثر بر آن بوده‌اند تا مهم‌ترین و رایج‌ترین معادل‌های موجود برای اسامی خاص در زبان فارسی را گردآوری و عرضه کنند (ص ۴-۵). این اثر در واقع راهنمایی است برای یافتن معادل‌های نام‌های خاص (نام اشخاص، جاها، کتاب‌ها، قوم‌ها، زبان‌ها، مؤسسات و نهادها، اختصارات، القاب، ماه‌ها، اعیاد و پاره‌ای از اصطلاح‌ها) و در آن قاعده و روش خاصی برای ضبط اعلام معرفی نشده است. در واقع، به منظور یک دست کردن اسامی خاص در زبان فارسی و با بهره‌گیری از منابع گوناگون، این اسامی گردآوری شده و به صورت الفبایی در اختیار خواننده قرار گرفته است.

۷. شیوه‌نامه ضبط اعلام انگلیسی در فارسی. ماندانا صدیق بهزادی در این اثر بر آن بوده است تا با ارائه شیوه‌ای واحد و یکسان برای بازنویسی اعلام انگلیسی به فارسی، از تشتت و ناهماهنگی‌ها در این زمینه بکاهد. در این شیوه‌نامه، روش بازنویسی نویسه‌ها و واج‌های صامت و مصوت انگلیسی به خط فارسی به تفصیل توضیحاتی ارائه شده است. در این اثر از روش واج‌نویسی بر اساس تلفظ اصلی و مبتنی بر ملاحظه‌های حرف‌نویسی استفاده شده است. در صفحات پایانی کتاب، فهرست اعلام فارسی به انگلیسی و اعلام انگلیسی به فارسی تنظیم شده است. این اثر ارزشمند با پیشنهاد قواعدی برای بازنویسی اعلام انگلیسی به فارسی، پاسخگوی بخشی از مشکلات این حوزه خواهد بود.

۸. نگارش و ویرایش. در یکی از بخش‌های فصل چهارم این کتاب، نگارش احمد سمیعی گیلانی، به اختصار به برخی از قواعد ضبط اعلام اشاره شده است (ص ۲۵۰ - ۲۵۵). در این اثر، پیشنهادها و قواعدی برای ضبط اعلام و احکامی برای ضبط نام‌های بیگانه، هر چند به اختصار، ارائه شده است.

در بخش اعلام اشخاص، قواعد بازنویسی نام‌های عربی، ایرانی، ترکی، تاجیکی، هندی، یونانی و رومی پیشنهاد شده است.

در بخش نام‌های عربی (ص ۲۵ - ۴۴)، نخست ساختار نام‌های عربی و ارسی شده سپس به نام‌های رایج مردان و زنان اشاره شده است. آنگاه، قواعد ضبط نام‌های عربی از آغاز تا پایان قرن هجدهم میلادی و نام‌های عربی معاصر مطرح شده است. به گفته بهزادی، در نام‌های گروه نخست، نام اشهر مدخل قرار می‌گیرد و نام کوچک با کلمه «بن» به نام پدر متصل می‌شود. نام اشهر ممکن است نام کوچک، کنیه، نام، نسب، نسبت یا لقب باشد که برای هر گروه مثال‌هایی ذکر شده است. در نام‌های عربی معاصر که بسیار متنوع است، به اعتقاد نویسنده برای پرهیز از چندگانگی باید از قاعده یکسانی استفاده کرد. از این رو نویسنده این نام‌ها را به نام‌های عربی دو جزئی (مربک از نام کوچک و نام خانوادگی یا نام پدر) و نام‌های سه جزئی (که جزء سوم معمولاً نام پدر بزرگ است) تقسیم می‌کند و برای هر گروه مثال‌هایی می‌آورد. سپس قاعده «ال» و موارد حذف یا حفظ آن به تفصیل و با ذکر مثال بررسی می‌شود.

در بخش نام‌های ایرانی (ص ۴۵ - ۶۶)، پس از بررسی ساختار این نام‌ها و نام‌های رایج زنان و مردان، نام خانوادگی، نام‌های خانوادگی با نشانه آغازین یا پایانی و نام‌های خانوادگی بدون نشانه بررسی می‌شود. آنگاه نویسنده به قواعد نام‌های ایرانی می‌پردازد و نام‌های ایرانی را به سه دوره تقسیم می‌کند: پیش از اسلام یا سنت پیش از اسلام؛ عصر اسلامی تا آغاز قرن چهاردهم هجری شمسی؛ از ۱۳۰۴ شمسی به بعد. نام‌های دسته نخست به صورت یک جزئی، با اضافه نام پدر یا دو جزئی (جزء دوم: لقب) آمده است. در نام‌های ایرانی عصر اسلامی آغاز قرن چهاردهم هجری شمسی، اسم اشهر، مدخل قرار می‌گیرد و نام کوچک با «بن» به نام پدر متصل می‌شود. در اینجا نیز اسم اشهر می‌تواند نام کوچک، کنیه، نسب، نسبت (مکانی، قوم و قبیله‌ای، عقیدتی، طریقتی)، لقب (مذهبی، دیوانی و دولتی، علمی، شغلی، عامیانه) یا تخلص باشد که نویسنده برای هر یک از آنها مثال‌هایی آورده است. از ۱۳۰۴ شمسی به بعد، داشتن نام خانوادگی در ایران الزامی می‌شود. بنابراین نام‌های این دوره غالباً از نام خانوادگی یک جزئی و گاه دو یا سه جزئی و نام کوچک یک یا دو جزئی تشکیل می‌شوند.

بخش نام‌های ترکی (ص ۶۷ - ۱۰۰)، که به نام‌های ترکی عثمانی و ترکیه جدید اختصاص دارد، ساختار نام‌های ترکی

۹. فرهنگ تلفظ نام‌های خاص. این مأخذ، اثر فریبرز مجیدی، مرجع ارزشمند دیگری است که در تعیین ضبط صحیح اسامی تاریخی و جغرافیایی بسیار سودمند است. در این فرهنگ، نام‌های خاص اشخاص، مکان‌ها و کشورهایی گردآوری شده‌اند که یا خط لاتینی داشتند یا خطشان به صورت لاتینی حرف‌نویسی شده است (مانند روسی و یونانی).

بنابراین، این فرهنگ فاقد نام‌های عربی، ترکی، هندی، ایرانی و جزآن است. در این اثر، پس از ذکر هر نام، به ترتیب الفبای لاتین، تلفظ آن با حروف آوایی قراردادی، به صورتی که تا حد امکان به تلفظ اصلی نزدیک باشد، نشان داده شده است. سپس املاهای فارسی آن به طوری که تا حد ممکن به اصل نزدیک باشد آمده و زبان کشور یا کشورهایی که آن نام به آنها تعلق دارد در قالب ذکر شده است تا معلوم شود که هر نام در زبان هر کشور چگونه تلفظ می‌شود (ص ۹ - ۱۰).

این فرهنگ به راهنمای تلفظ حروف الفبای لاتینی در پیش از سی زبان مختلف جهان نیز مزین است که بر ارزش کتاب می‌افزاید. در این راهنما، تلفظ حروف الفبا و ترکیب حروف الفبا در کشورهای گوناگون و معادل پیشنهادی فارسی آن ذکر شده که بسیار مفید است. کتاب دارای پیوستی است شامل نام‌هایی که تلفظشان در زبان فارسی با املاهای انگلیسی آنها مطابقت ندارد، مانند (Achaemenides: هخامنشیان)؛ نام‌های فارسی یا غیر لاتینی که به لاتینی ترجمه شده‌اند یا به صورت معرب مشهورند (مانند Cambyses: کمبوجیه)؛ نام کشورهایی که ترجمه‌های فارسی برای آنها در نظر گرفته شده است، مانند (Germany: آلمان)؛ نام برخی از گروه‌ها یا فرقه‌های مشهور تاریخی، سیاسی مذهبی یا سلسله‌های سلطنتی مشرق زمین (Karmatis: قرمطیان / قرامطه، Almoravides: مرابطون). فرهنگ تلفظ نام‌های خاص، همراه با راهنما و پیوست آن، در تعیین ضبط صحیح اعلام بسیار کارگشاست، هر چند جای خالی نام‌های غیر لاتین در آن بسیار محسوس است.

۱۰. شیوه‌نامه ضبط اعلام. این شیوه‌نامه، تدوین و تنظیم ماندانا صدیق بهزادی، بی‌تردید از ارزشمندترین آثار در این زمینه است. آنچه که این اثر را از دیگر آثار دیگر در این زمینه متمایز می‌سازد، ارائه قواعد و قوانین درخور توجه برای بازنویسی اعلام زبان‌های بیگانه به زبان فارسی است. در این شیوه‌نامه که به همت نشر آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی به چاپ رسیده، چگونگی ضبط اعلام اشخاص، اعلام تاریخی و اعلام جغرافیایی به تفصیل شرح داده شده است.



و ظرافت؛ نام مذهبی شامل نام خدایان و الهه‌های هندی؛ نام مرتبط با ایمان، دین، عبادت و پیشوایان مذهبی؛ نام خانوادگی (نام‌های خانوادگی متداول در میان مردم؛ نام‌های خانوادگی متداول در میان طبقه اجتماعی و ویشیا؛ نام‌های خانوادگی متداول در بین کشاورها؛ نام‌های خانوادگی متداول در میان برهمنان؛ نام‌های خانوادگی متداول در بین راج پوت‌ها)، القاب و عناوین (محترمانه، مذهبی، شغلی) ساختار و اجزای تشکیل دهنده نام‌ها (نام‌های هندی، آسامی، بنگالی، گجراتی، مراتی و اوریا، کناری، پنجابی).

سپس برای ارائه قواعد ضبط نام‌های هندی واجگان هندوستانی (مصوت‌ها و صامت‌ها و جداول مربوط به آنها) بررسی شده است. نام‌ها در هند از نظر دوره به دو دسته تقسیم شدند: از آغاز تا اواسط قرن نوزدهم؛ از اواسط قرن نوزدهم به بعد. نویسندگان، قواعد ضبط نام‌ها را در هر دوره بیان می‌دارد. در پایان این بخش، نویسنده اشاره می‌کند که نام‌های خانوادگی هندی گاه در منابع لاتینی با تلفظ‌هایی غیر از تلفظ اصلی هندی ضبط شده‌اند که به تشبث در برگردان نام‌های هندی به فارسی از منابع لاتینی انجامیده است. برای رفع این تشبث صورت استاندارد این گونه نام‌های خانوادگی در پیوست این بخش آمده است.

در بخش نام‌های یونانی (ص ۱۷۳ - ۲۰۳)، پس از بررسی ساختار این نام‌ها و تغییرات آوایی در زبان یونانی، الفبای یونانی، حرف نویسی تلفظ قدیم و جدید و شکل نوشتاری فارسی حروف الفبای یونانی در جدولی به نظم درآمده و نیز مصوت‌های مرکب یونانی، نشانه‌های دوحرفی، علامت‌های فرعی همراه با حرف نویسی تلفظ جدید و قدیم و شکل نوشتاری فارسی آنها در جدول جداگانه‌ای ارائه شده است. آنگاه، قواعد برگردان نام‌های یونانی (تلفظ و ضبط نوشتاری بعضی از حروف الفبای یونانی) و قواعد نام‌های یونانی با ذکر مثال‌هایی جامع ارائه شده است. در همین قسمت، نویسنده به نام‌های جدید یونانی و ملاحظاتی در برگرداندن الفبای یونانی به فارسی اشاره کرده است.

در بخش نام‌های رومی (ص ۲۰۵ - ۲۲۰)، نخست ساختار نام‌های رومی بررسی شده است. به گفته نویسنده در نزد رومیان موقعیت اجتماعی فرد عامل تعیین کننده نام اوست و هر یک از طبقات اجتماع (اشراف، عوام، زنان، بردگان و خارجیان) نام‌های خاص خود را دارند. سپس قواعد برگردان نام‌های رومی، به ویژه تفاوت تلفظ حروف در الفبای رومی و فرانسه و انگلیسی بررسی شده است. مصوت‌ها و مصوت‌های مرکب و صامت‌ها در جداولی تنظیم شده و قواعد نام‌های رومی، با ذکر مثال، به

(اسم، صفت، فعل، نام‌های اسلامی، استفاده از عنوان در نام‌های ترکی)، استفاده از نسب، نسبت و لقب در نام‌های ترکی با ذکر مثال، و ساختار نام خانوادگی در ترکیه جدید بررسی شده است. سپس قواعد برگردان نام‌های ترکی، تلفظ ترکی الفبای جدید ترکی و نشانه نوشتاری فارسی آن، صامت‌ها و قواعد و شیوه باز نویسی آنها به فارسی، مصوت‌ها و قواعد آنها (قانون هماهنگی بزرگ مصوت‌ها؛ قانون هماهنگی کوچک مصوت‌ها، از جمله قانون - جی / - چی و - جو / - چو (پسوند شغل و نسبت)، قانون - لی و - لو (پسوند نسبت)، قانون - اوغلو / - اوغلی (پسر و فرزند) و مثال‌هایی برای هر یک)، افزودن مصوت و تبدیل مصوت‌های کوتاه به مصوت‌های بلند با ذکر مثال به تفصیل شرح داده شده است. نام‌های ترکی، به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود: از آغاز تا سال ۱۹۳۵ و از ۱۹۳۵ به بعد که قواعد هر دوره بررسی شده است.

در بخش نام‌های تاجیکی نیز نخست ساختار این نام‌ها واری شده، سپس انواع نام‌های رایج برای مردان و زنان معرفی شده است. نویسندگان، نام‌های تاجیکی را به سه دسته تقسیم کرده است: نام‌های تاجیکی قدیم (از آغاز تا پیش از قانون شکل روسی گرفتن نام‌ها در ۱۹۲۴)؛ نام‌های تاجیکی از سال ۱۹۲۴ تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی؛ و نام‌های تاجیکی پس از استقلال تاجیکستان. سپس قواعد این سه دسته را با ذکر مثال‌هایی توضیح می‌دهد. قواعد برگرداندن خط تاجیکی به خط فارسی نیز ارائه شده و الفبای سیریلیک تاجیکی و معادل آنها در الفبای لاتینی تاجیکی و خط فارسی، و نیز صامت‌ها و مصوت‌های ساده و مرکب تاجیکی و معادل لاتینی تاجیکی و خط فارسی آنها در جداولی به نظم درآمده که بسیار سودمند می‌نماید. الفبای سیریلیک دارای حروف ویژه‌ای است که آنها نیز از قلم نیفتاده است.

در بخش نام‌های هندی (ص ۱۱۹ - ۱۷۲) نخست ساختار نام‌های هندی به تفصیل واری شده و به این ترتیب تقسیم بندی شده است: نام‌های اسلامی (استفاده از اسماء الهی، استفاده از نام‌های رسول اکرم، استفاده از نام‌های زنان یا النساء، نسب، لقب)؛ نام‌های غیر اسلامی (چون نام‌های ودایی، نام‌های هندی براساس دیدگاه پانینی نحوی مشهور سنسکریت در حدود ۳۰۰ پیش از میلاد، نام‌هایی براساس نظام طبقاتی، نام‌های هندی) ساختار نام‌های کوچک هندی (اسم ذات؛ اسم معنی؛ صفت حاکی از شجاعت، دلیری، قدرت و حاکمیت؛ صفت پسندیده و نیکو؛ آرزوی والدین برای فرزند؛ نام حاکی از زیبایی

پژوهش‌ها و کوشش‌های ارزنده، ناهماهنگی و پراکندگی در ضبط اعلام به حداقل برسد.

پانویست‌ها:

۱. منظور بین‌النهرین (Mesopotamia) است.

2. Transcription.
3. Transliteration.
4. Phonemic Transcription.
5. *Der Grosse Duden, 6, Bd, Aussprache Wörterbuch.*
6. *Webster's Biographical Dictionary.*
7. *Webster's new Geographical Dictionary.*
8. *The Oxford Encyclopaedia.*

منابع:

- دایرةالمعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، تهران: فرانکلین، امیرکبیر، ۱۳۴۵ - ۱۳۷۴.
- راهنمای آماده‌ساختن کتاب، میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی، ویراست سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
- شیوه‌نامه ضبط اعلام، تدوین و تنظیم ماندانا صدیق بهزادی، تهران: نشر آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۱.
- شیوه‌نامه ضبط اعلام انگلیسی در فارسی، ماندانا صدیق بهزادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی با همکاری کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵.
- فرهنگ تلفظ نام‌های خاص (تاریخی و جغرافیایی)، فریبرز مجیدی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱.
- فرهنگ فارسی، محمد معین، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- فرهنگ مترجم، غلامحسین صدری افشار و نسرین و نسترین حکمی و هاجر خانمحمد، نشر آفتاب، ۱۳۶۳ ش.
- فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان، به کوشش مرضیه هدایت و شهره دریایی، ویراست سوم، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲.
- مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، غلامرضا ستوده، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۱.
- نام‌های اسلامی، آنه ماری شیمیل، ترجمه گیتی آرین، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.
- نگارش و ویرایش، احمد سمعی (گیلانی)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۸.

- *Der Grosse Duden, 6, Bd, Aussprache Wörterbuch,*  
Wien: Bibliographis Institut Mannheim, 1976-1981.

تفصیل شرح داده شده است. در پایان این بخش ملاحظاتی در برگردان الفبای رومی به فارسی در نظر گرفته شده است.

شیوه‌نامه ضبط اعلام، اعلام تاریخی را به نام خاندان‌ها و سلسله‌ها، اقوام و قبایل، رویدادهای تاریخی، فرق و مکاتب و طریق تقسیم کرده و سپس برای هر گروه قواعد خاصی را برشمرده است.

اعلام جغرافیایی در این شیوه‌نامه دربرگیرنده نام سرزمین‌ها، کشورها، شهرها، عوارض طبیعی، آثار تاریخی، نهادهای اجتماعی و مستحذات است. در این بخش، نویسنده نخست به بررسی مشکلات در این زمینه پرداخته و سپس برای رفع هر یک از این مشکلات راه حل و قاعده‌ای پیشنهاد کرده است. برای نمونه قواعدی برای این مسائل ذکر شده است: حروف هم‌آوا (از قبیل ت / ط) که صورت رایج آن ارجح است؛ اعلام جغرافیایی که در ضبط عربی بعضی از حروف آنها تغییر کرده (مانند گرگان / جرجان، که گرگان ارجح است)، اعلام جغرافیایی دخیل در فارسی که به صورت‌های گوناگون ضبط شده‌اند که صورت نزدیک به تلفظ اصلی با املائی پذیرفته شده در فارسی برگزیده شده است (مانند تایمز / تمیز که تایمز ارجح است). هم‌چنین در مواردی که نام یک محل بر اثر رویدادهای خاص تغییر کرده، نام جدید انتخاب شده است. در این اثر، شکل مشهور اعلام مستحذات ترجیح داده شده است و در صورتی که اسم جنس بخشی از علم جغرافیایی باشد باید حفظ و در غیر این صورت حذف شود (مانند سبزه میدان؛ شاه چراغ) و در ضبط نام نهادهای اجتماعی صورت مشهور اختیار شده است.

با نگاهی به مطالب مفصل و مفید این اثر، ارزش پژوهشی آن برای خواننده روشن می‌شود. تقسیم‌بندی اعلام، بررسی ساختاری آنها، بررسی موانع و مشکلات ضبط آنها و بالاخره ارائه قوانین و قواعدی برای ساماندهی ضبط اعلام و رفع ناهماهنگی‌ها و تشتت در این زمینه از کوشش‌های ارزشمندی است که این اثر را در خور تأمل می‌سازد. بهره‌گیری نویسنده از مثال‌های متنوع، از ویژگی‌های مفید این اثر است که به خواننده در درک مطلب یاری می‌رساند.

\*\*\*

با وجود همه این آثار ارزشمند در زمینه ضبط اعلام، هنوز اهمیت واقعی این حوزه در تدوین دایرةالمعارف‌های فارسی به درستی شناخته نشده و قانون‌مند کردن ضبط اعلام هنوز به جایگاه واقعی خود دست نیافته است. امید می‌رود با ادامه پژوهش‌های ارزشمند در این زمینه و بهره‌گیری دایرةالمعارف‌های فارسی از این